GD000260

کارتل های چندملیتی یا اختاپوس استعمار

دکتر همایون الهی

*** دو مکانیسم استعمار کننده حاکم بر جهان، دنیای سوم حتی باید مخارج استثمار خود را نیز بپردازد!**

*** طبق آمار منتشره در آلمان فدرال در سال ۱۹۷۸ در حدود ۲۲ هزار پزشک ایرانی در خارج از ایران بسر می بردند.**

*** کمتر دانشگاهی در اروپا و امریکا وجود دارد که در آن اساتید کشور های جهان سوم نباشند.**

اقتصاد دانان و علمای غربی، کمبود سرمایه و فقر علمی در کشورهای دنیای سوم را یکی از علل اصلی عدم رشد و توسعه صنعتی و اقتصادی این کشورها میدانند. با توجه به اینکه علم و عالم درجهان صنعتی درخدمت سرمایه‌داران است و لطمه در جهت منافع این گروه تکوین و وضع های خویش را باید گذاری میدانند، بعلاوه از توضیح فوق نیز موجه جلوه مانده،می‌باید گذاریهای کارتلهای چند ملیتی در دنیای سوم، برای پی بردن به واقعیت، تحقیق در موارد ادعایی علل عدم رشد کشورهای در حال توسعه اساسی بنظر میرسد.

۱ ـ کمبود سرمایه بعنوان عامل عدم رشد:

روش استثمار قدیم برپایه‌گیری از عرکوله پیشرفت و رشد اقتصادی وسیاسی کشورهای مستعمره قرار داشت،دوران تسلط استعمار گران را درجهان تاحد ممکنه طولانی‌تر نمایند. اکنون که استعمار از بوق بزاری باشد است علاوه‌بر روش های قبلی، اصول و عوامل دیگری نیز ایجاد گردیده تا به عدم رشد اقتصادی و سیاسی دنیای سوم کمک نمایند. بنین منظور کارتلهای چند ملیتی با سرمایه گذاری در دنیای سوم بخش عمده سرمایه‌های موجود در کشورهای مزبور را بصورت مرآمدهای حاصل از فعالیتهای اقتصادی خود که در پدیده‌سیستم اقتصاد طرح‌ریزی بیشتر سرمایه گذاری مجدد پیشرفت خارجی محتمل نظیر سود واحد صنعتی، رسم سرمایه، کمبودهای اختیار، حقوق کارخانی و امثالهم از کشور خارج میرانند. از سوی دیگر بخش مهمی از سرمایه‌های موجود درکشورهای دنیای سوم تحت تبلیغات واداعه فرهنگ استعماری بصورت ورود کالاهای لوکس مصرفی، پرداخت رایخواران داخلی و خارجی، خرید تسلیحات عظیم نظامی و یا سرمایه گذاری در بخش خانه سازی در خیرهای بزرگ نابود می‌گردد. علاوه‌بر انتقال سرمایه‌توسط طبقه حاکم‌وصاحبان سرمایه، کشورهای پیشرفته با بانکهای ایالات متحده آمریکا، سوئیس، انگلستان و غیره رهای دیگر در بخش کوچکی داخلی، تعامل وسایر معیاری نیز بسیاری از اوراق بانک متحده آمریکا، سرمایه صنوعی دنیای سوم میباشد. بنین علت است که کشورهایی نظیر کویت، ایران و ونزوئلا که در مالهای گذشته عمدتاً از فروش نفت خود سرمایه کافی در اختیار داشته‌اند معذا از جنان نارسایی‌های اقتصادی واجتماعی رنج میبرند که بنابر کشورهای دنیای سوم میگیرد آن حمد.

در یک کارتل به شکره ایالات متحده آمریکا درسال ۱۹۹۷ آمده است:

«عدم اعتماد صاحبان سرمایه وکمبود سرمایه‌گذاری در کشور خودش موجب میشود لانین به سرمایه گذاری در کشور خودش موجب میشود سرمایه این افراد بخارج از کشور گردیده است. این گروه در سه سال گذشته بیشتر از ۱۰ میلیارد دلار به تنهایی در بانکهای سوئیس سرمایه‌گذاری نموده‌اند. علاوه در همین مدت مبلغی در حدود صد ۱۲ میلیارد دلار نیز به بانکهای نیویورک خواهد آمد. لازم به توضیح است کاین ارقام غلطروط میشوند به حوالتهای بانکی که بصورت تقدیه از کشورهای (آمریکای لاتین) خارج شده است. فرار سرمایه بطور کلی از این قبیل کارهای است موجب آمریکای جنوبی و جهان متحده و جهان سوم را نیز بوجود آورده است.

این فقط کارهای است موجب آمریکای جنوبی و سرمایه‌داری انتقال یافته از آفریقا وآسیا وبخصوص از کشور های نفت خیز خاورمیانه به بانکهای سوئیس و ایالات متحده آمریکا، انگلستان و غیره مصنا رقمی بزرگتر از این خواهد بود.

در سالهای اخیر ذخایر ارزی کشورهای اوپک درمالک های غربی، تا بدان حد است که هرگونه تلاش انتقال این ذخایر می‌تواند مفلوج کامل اقتصاد کشورهای مذبور را بدنبال آورد. بنابراین بسیاری از کشورهای دنیای سوم ناچارند ذخایر ارزی کشور خود را در بانکهای غرب حفظ نمایند که اکثریت آنها نیز جهت استفاده واقعیت نمی‌باشد.

بانکهای دنیای سوم، اعتبارات خود را بدست افراد غربی میدهند که بنوبه خود آنها نیز بدست کارخانه‌ها و یا بانکهای دیگر میدهند. بنین ترتیب بانکهای دنیای سوم بیشتر از سود بانکهای غربی میگیرند. بنین ترتیب سرمایه‌های دنیای سوم بصورت بهره بانکهای غربی درمیآید. بنین ترتیب کشورهای دنیای سوم مجبور میشوند که بهره بانکهای غربی را بپردازند